



حمله یمن به اسرائیل

سخت‌گویی نیروهای مسلح یمن از انجام چند عملیات و هدف قرار دادن مواضعی در عمق سرزمین‌های اشغالی خبر داد. سرتیپ «یحیی سریع» سخنگوی نیروهای مسلح یمن دیروز سه‌شنبه با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که ارتش این کشور در پاسخ به تداوم جنایات رژیم صهیونیستی در نوار غزه و هتک حرمت مسجدالاقصی توسط صهیونیست‌ها، یک عملیات نظامی دقیق و موفق را علیه اهدافی در سرزمین‌های اشغالی انجام داد. طبق گزارش شبکه المسیره، در این بیانیه آمده است که این عملیات با شلیک ۲ فروند موشک بالستیک انجام شده که یکی از آن‌ها موشک فراصوت از نوع «فلسطین ۲» بوده و فرودگاه بین‌المللی بن‌گوریون در منطقه تل‌آویو را هدف قرار داده است. موشک دوم نیز از نوع «ذوالفقار» بوده و یک هدف حیاتی دیگر در شرق تل‌آویو را مورد اصابت قرار داده است. سخنگوی نیروهای مسلح یمن تأکید کرده که این عملیات به‌طور موفقیت‌آمیز به اهداف تعیین‌شده اصابت کرده و موجب وحشت گسترده میان ساکنان سرزمین‌های اشغالی و فرار میلیون‌ن آنها به پناهگاه‌ها و همچنین اختلال در فعالیت فرودگاه بن‌گوریون شده است.



اهمیت روابط با چین

دبیر شورای امنیت روسیه دیروز گفت، روابط بین روسیه و چین در سطح «اتحاد سیاسی - نظامی» نیست، بلکه فراتر از این نوع تعامل است. «سرگئی شویگو» دبیر شورای امنیت روسیه در جریان رایزنی با «چین ونچینگ» یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب حاکم کمونیست چین در نشست امنیت بین‌الملل در مسکو گفت: «همکاری جامع و همکاری استراتژیک به سطحی غیر منتظره بین دو کشور رسیده و بهترین دوران را سپری می‌کند.» به نقل از خبرگزاری ریائووستی، وی افزود: «روسیه و چین یکدیگر را شرکایی اصلی می‌دانند و همیشه به اصول همکاری محترمانه، برابر و بر اساس اعتماد پایبند هستند.» شویگو همچنین افزود: «گفت‌وگو مبتنی بر اعتماد بین ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه و شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین نقش هدایت‌کننده و محوری در پیشبرد طیف وسیعی از روابط بین کشورها ایفا می‌کند. تعمیق همکاری بین سرویس‌های ویژه روسیه و چین یکی از مهمترین زمینه‌های همکاری بین کشورهاست.»



تحریم قریب الوقوع روسیه

دونالد ترامپ در حال بررسی تحریم روسیه است و روابطش با پوتین رو به تیرگی می‌رود. منابع آگاه به روزنامه وال استریت ژورنال گفتند که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در این هفته (طی روزهای آتی) به دلیل ناراحتی از ادامه حملات روسیه به اوکراین و کندی مذاکرات صلح، در حال بررسی اعمال تحریم علیه مسکو است. یکی از منابع گفته این تحریم‌ها احتمالاً شامل محدودیت‌های بانکی جدید نمی‌شود، اما گزینه‌های دیگری برای فشار به ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در حال بررسی است؛ از جمله آتش‌بس ۳۰ روزه‌ای که مورد حمایت اوکراین است. ترامپ همچنین ممکن است تصمیم بگیرد که تحریم جدیدی اعمال نکند. دونالد ترامپ روز یکشنبه درباره احتمال تحریم‌های جدید صحبت کرد و گفت «کاملاً» آن را در نظر دارد. ترامپ همچنین از ادامه حملات روسیه به اوکراین که پاسخی به حملات کی‌یف به زیرساخت‌ها بوده، ابراز نارضایتی کرد.

صندوق بین‌المللی پول رشد تولید ناخالص داخلی واقعی ۱/۱ درصد را در سال‌های ۲۰۲۶-۲۰۳۰ برای روسیه پیش‌بینی می‌کند. اما کاهش نیروی کار، استهلاک فناوری و رکود در سرمایه‌گذاری داخلی به این معنی است که اقتصاد روسیه در دهه آینده بسیار بدتر از دهه گذشته عمل خواهد کرد. این امر به نوبه خود، احتمالاً محدودیت‌های داخلی و استراتژیکی را برای دولت روسیه ایجاد خواهد کرد؛ به‌ویژه به این دلیل که توانایی این کشور برای افزایش قابل توجه هزینه‌های دفاعی از نظر سیاسی و حداقل در درازمدت از نظر اقتصادی محدود خواهد شد. علاوه بر هزینه‌های مالی و فوری جنگ و پیامدهای اقتصادی منفی بلندمدت از نظر تجارت و سرمایه‌گذاری، دولت روسیه بدهی‌ها و تعهدات هزینه‌ای بالقوه قابل توجهی را در آینده از نظر پرداخت حقوق بازنشستگی معلولان جنگ، مراقبت‌های بهداشتی جانبازان و حمایت مالی از سرزمین‌های فتح‌شده متحمل خواهد شد، و البته هزینه‌های بلندمدت ناشی از کاهش همکاری اقتصادی با غرب را نیز نباید فراموش کرد. از طرف دیگر، اگر روسیه کنترل اقتصادی بر بخش‌هایی از اوکراین را حفظ کند، پایگاه مالیاتی و منابع بیشتری نیز برای جبران برخی از هزینه‌های اقتصادی و مالی بلندمدت خواهد داشت، اگرچه بعید است که این منابع بتوانند هزینه‌های روسیه را به‌طور کامل جبران کنند. در نهایت، افزایش هزینه‌های دفاعی ناتو - که پیامد مستقیم جنگ روسیه در اوکراین است - هزینه بلندمدتی را برای روسیه به همراه خواهد داشت، چراکه این کشور می‌خواهد با افزایش هزینه‌های دفاعی غرب، امنیت خود را حفظ کند. در نهایت، اگرچه توافق صلحی که غرامت‌های قابل توجهی را به روسیه تحمیل کند، بعید است حاصل شود، اما چنین توافقی هزینه‌های جنگ اوکراین را برای روسیه افزایش می‌دهد. از نظر اقتصادی، هر دولتی تقریباً همیشه می‌تواند با کاهش مصرف بخش خصوصی با سرمایه‌گذاری داخلی، منابع اضافی را برای حمایت از یک تلاش جنگی، حداقل در کوتاه‌مدت، استخراج کند. اما کاهش شدید مصرف بخش خصوصی ممکن است از نظر سیاسی دشوار باشد، حتی اگر دولت روسیه در موقعیت نسبتاً خوبی برای دفع انتقادات و مخالفت‌های میانه‌روها داشته باشد. کاهش شدید سرمایه‌گذاری، پایداری بلندمدت هزینه‌های بالای دفاعی را کاهش می‌دهد. مورد اخیر همچنین روسیه را که موقعیت نسبی اقتصادی آن از نظر اندازه پایگاه اقتصادی اش در حال حاضر نسبتاً نامطلوب است، تضعیف می‌کند.

از نظر تولید ناخالص داخلی، هزینه‌های دفاعی روسیه در حال حاضر بیش از سه برابر هزینه‌های کشورهای اروپایی عضو ناتو است، در حالی که اندازه اقتصادی ترکیبی ناتوی اروپایی، چه رسد به همه اعضای ناتو، بسیار بیشتر از روسیه است. اگر تولید ناخالص داخلی اسمی روسیه را مبنا قرار دهیم، اقتصاد روسیه حدود یک‌پانزدهم تولید ناخالص داخلی ایالات متحده یا تقریباً به اندازه کانادا است. بر اساس برابری قدرت خرید، روسیه ۲۰ درصد از تولید ناخالص داخلی اعضای اروپایی ناتو را تشکیل می‌دهد. موقعیت اقتصادی نامساعد روسیه به علاوه هزینه‌های بالای دفاعی که تداوم خواهد داشت، منجر به تضعیف نسبی بیشتر قدرت اقتصادی روسیه خواهد شد.

اما همه اینها برای چشم‌انداز اقتصادی و ژئوپلیتیکی کوتاه‌مدت و بلندمدت چه معنایی دارد؟ محدودیت‌های اقتصادی کوتاه‌مدتی که روسیه با آن مواجه است، قابل مدیریت هستند. اما توانایی روسیه برای افزایش قابل توجه هزینه‌ها - به‌خصوص اگر قدرت‌های غربی حمایت نظامی از اوکراین را دو برابر کنند - محدود است، به این معنا که منجر به تورم بالاتر، کاهش مصرف خانوار و طول زمان، افزایش نارضایتی داخلی خواهد شد. در درازمدت، هزینه‌های روسیه بالا است و از نظر تلفات نیروی انسانی، کاهش سرمایه‌گذاری در اقتصاد غیرنظامی، دسترسی به فناوری پیشرفته خارجی و دسترسی به بازارهای خارجی همچنان وضعیت نامطلوب خواهد بود. اگرچه تعیین کمیت دشوار است، اما چشم‌انداز اقتصادی بلندمدت روسیه بسیار محدود خواهد بود. این بدان معناست که انگیزه‌های روسیه برای امتیازدهی در میز مذاکره در کوتاه‌مدت تا میان‌مدت محدود خواهد بود، حداقل تا زمانی که تهدیدی مبنی بر افزایش حمایت غرب از اوکراین وجود نداشته باشد. با این حال، تا زمانی که اوکراین در میدان نبرد شکست نخورد یا از نظر نظامی دچار فروپاشی نشود، در درازمدت افزایش هزینه‌های ادامه جنگ برای روسیه کاهش یافته و در مقابل انگیزه‌هایش برای پایان دادن به جنگ افزایش خواهد یافت. سخت است که بگوییم آیا این امر دولت روسیه را به اتخاذ رویکردی اعتدال‌پذیرتر سوق خواهد داد یا خیر. اما تاریخ نشان می‌دهد که کشورها جنگ‌ها را ادامه می‌دهند، حتی اگر هزینه‌های اقتصادی و استراتژیک جنگ از مزایای مورد انتظار، بیشتر باشد.

ترجمه: آر یاصدیقی



تأثری جنگی روسیه

به در کوتاه مدت و میان مدت قابل مدیریت است

اگر داده‌های مالی اقتصاد روسیه را به صورت ظاهری در نظر بگیریم، دولت روسیه با محدودیت‌های اقتصادی و مالی کوتاه‌مدت قابل مدیریت مواجه است. با این حال، هزینه‌های جنگ از نظر مصرف خانوارها و کاهش رشد بلندمدت واقعی خواهد بود

مواجهه با خسارات قابل توجه در میدان نبرد، برآوردهای اطلاعاتی بریتانیا، تلفات میدان نبرد روسیه - کشته و زخمی - را نزدیک به ۱ میلیون نفر تخمین زده است. این آمار در مقایسه با جمعیت در سن کار که حدود ۱۰۰ میلیون نفر است، آمار زیادی است. بدون احتساب مهاجرت، این تلفات ممکن است جمعیت مردان شاغل در روسیه را ۲۱ درصد کاهش داده باشد که تا حدودی کاهش نرخ بیکاری را توضیح می‌دهد. اطلاعات بریتانیا همچنین ارزیابی می‌کند که خارجی‌ها تنها سهم بسیار کمی از پرسنل ارتش روسیه، از جمله تلفات رایبه خود اختصاص داده‌اند. تخمین زده می‌شود ۱۰ تا ۱۲ هزار سرباز از کره شمالی در جنگ اوکراین در حال جنگیدن باشند و کرایه‌ها تاکنون بزرگترین گروه جنگجویان خارجی روسیه تشکیل می‌دهند. اگر کاهش احتمالی نیروی کار فعال با افزایش نسبت مشارکت نیروی کار (مانند جذب زنان و بازنشستگان بیشتر) و یا با افزایش ساعات کار به ازای هر کارگر جبران نشود، دسترسی محدودتر به نیروی کار بر چشم‌انداز اقتصادی روسیه تأثیر منفی خواهد گذاشت. در همین حال، پس‌اندازهای محدودتر بر سرمایه‌گذاری داخلی و رشد اقتصادی میان‌مدت تا بلندمدت تأثیر منفی خواهد گذاشت.

پیامدهای اقتصادی بلندمدت جنگ

اگر داده‌های مالی اقتصاد روسیه را به صورت ظاهری در نظر بگیریم، دولت روسیه با محدودیت‌های اقتصادی و مالی کوتاه‌مدت قابل مدیریت از نظر ادامه جنگ و مشکل جایگزینی تلفات نیروی انسانی و تجهیزات منهدم‌شده مواجه است. با این حال، هزینه‌های جنگ از نظر مصرف خانوارها و کاهش رشد بلندمدت اقتصادی همچنان واقعی خواهد بود. هزینه‌های دفاعی امروز روسیه ۶ تا ۷ درصد از تولید ناخالص داخلی تخمین زده می‌شود، اما ممکن است بیشتر باشد. این نرخ ممکن است در میان مدت تا بلندمدت ناپایدار باشد. در همین حال، تورم بالای روسیه نشان می‌دهد که تقاضای داخلی بیش از حد بالا است. تورم در سه سال قبل از سال ۲۰۲۲ کمتر از ۴ درصد بود، در حالی که در سال ۲۰۲۴ از ۸ درصد فراتر رفت (اگرچه بسیاری از اقتصاددانان در مورد اعتبار داده‌های رسمی تورم در روسیه تردید دارند). حمایت از هزینه‌های بالای دفاعی بر مصرف داخلی تأثیر منفی می‌گذارد. با گذشت زمان، این ممکن است از نظر سیاسی داخلی برای دولت روسیه خوشایند نباشد. هیچ‌یک از این موارد به این معنی نیست که روسیه منابع بیشتری را برای تلاش‌های جنگی بسیج نخواهد کرد. همانطور که گفته شد، درجه بالای تمرکز سیاسی، سرکوب مخالفان سیاسی داخلی و ابزارهای بسیار محدود برای ابراز نارضایتی عمومی، دولت روسیه را تا حدودی مصون کرده است. اما این مسئله نشان می‌دهد که افزایش هزینه‌های دفاعی و تلفات پرسنل نظامی، هزینه‌های مادی برای چشم‌انداز اقتصادی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت روسیه دارد؛ این برآورد قبل از در نظر گرفتن ضررهای رفاهی و بهره‌وری ناشی از کاهش تجارت بین‌المللی و دسترسی محدودتر یا پرهزینه‌تر به فناوری پیشرفته خارجی است.

در دهه منتهی به سال ۲۰۲۲، رشد تولید ناخالص داخلی واقعی روسیه به‌طور متوسط کمتر از ۱/۵ درصد بود. اگر تحریم‌ها و محدودیت‌های تجاری همچنان پابرجا باشند و روسیه هزینه‌های دفاعی بیش از ۶ درصد از تولید ناخالص داخلی را حفظ کند، اقتصادش در میان‌مدت در معرض خطر رکود قرار خواهد گرفت. خوش‌بینانه‌تر اینکه

بخشی از این کاهش نرخ بیکاری باشد، اما شواهد نشان می‌دهد که افزایش تقاضای داخلی، که با افزایش شدید هزینه‌های دفاعی همراه است، به جذب نیروی کار در اقتصاد روسیه کمک کرده است. نرخ بیکاری بسیار پایین همچنین نشان می‌دهد که اقتصاد روسیه اکنون با ظرفیتی بالاتر از ظرفیت واقعی خود فعالیت می‌کند. این مسئله موجب می‌شود که همه منابع مناسب صرفاً در تولید هزینه شود و همین تمرکز بیش از حد بر روی تولید، رشد اقتصادی روسیه را محدود خواهد کرد. در عین حال، افزایش بسیار قابل توجه هزینه‌های دفاعی، تولید موجود برای مصرف خانوار را کاهش می‌دهد یا پس‌انداز داخلی مورد نیاز برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری داخلی را کاهش می‌دهد. کاهش مصرف خانوار به معنای فقیرتر شدن خانوارهای روسی است و همین امر ممکن است حمایت داخلی از جنگ را تضعیف کند. در حالی که انواع خاصی از کارگران ممکن است از افزایش دستمزدها، به‌ویژه در صنعت دفاعی، بهره‌مند شده باشند، افرادی که به حمایت دولت متکی هستند، احتمالاً در نتیجه افزایش تورم و در مواجهه با افزایش تدریجی هزینه‌های اجتماعی و بازنشستگی دولت نسبت به تورم (احتمالاً کمتر گزارش شده)، دچار کاهش درآمد واقعی شده‌اند. علاوه بر این، کاهش سرمایه‌گذاری، چشم‌انداز اقتصادی میان‌مدت و بلندمدت روسیه را تضعیف خواهد کرد.

علاوه بر تأثیر منفی هزینه‌های دفاعی بالا بر مصرف و سرمایه‌گذاری، جنگ‌های زمینی همچنین مقادیر غیرقابل چشم‌پوشی از نیروی کار را از اقتصاد حذف می‌کنند؛ به‌ویژه در

